



نگاهی گذرابه:

مسایل تربیتی جوانان و نوجوانان

دکتر یوسفعلی عطاری

هفته در محیطی بنام محیط قبل از تولد در رحم مادر زندگی می‌کنند که مسلماً این محیط زندگی در ساختار شخصیت بعدی افراد فوق‌العاده مؤثر است و خود بحیثی جداگانه می‌طلبد که طرح آن را برعهده متخصصین این رشته می‌گذاریم.

اما ما فرض را بر این می‌گذاریم که این مدت با سلامتی کامل مادر و نوزاد سپری شده و نوزاد به طور طبیعی از پدر و مادری سالم بای به این جهان بگذارد، که از این لحظه به بعد به عنوان محیط بعد از تولد، انسان مراحل را سپری می‌کند که از نظر خصوصیات عاطفی یکی از این نوع تقسیم‌بندیها به گونه‌ای است که توضیح داده می‌شود:

مرحله اول از بدو تولد تا ۱۲ ماهگی: از

مراحل زندگی جسمانی، عاطفی، عقلانی و اجتماعی انسان را به طور کلی به دوره‌های مشخص با ویژگیهای خاص برای هر دوره تقسیم کرده‌اند. البته این تقسیم‌بندی صرفاً به منظور آسانتر شدن درک مراحل رشد است و الا چنین نیست که مثلاً دوره ویا مرحله‌ای از رشد در فلان روز ویا فلان زمان به پایان می‌رسد و بعد از آن، دوره و مرحله جدیدی آغاز می‌شود. بلکه تمام مراحل و دوره‌های رشد به صورت تدریجی و لسی به طور مستمر در طول دوران زندگی انسان وجود دارد و همه ابعاد وجودی انسان در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگرند و جدا کردن آنها از یکدیگر هم غیر علمی و هم غیرممکن است.

به هر حال، همه انسانها قبل از اینکه یا به این جهان فانی بگذازند، حدود ۳۶ تا ۳۸

به طور کلی باید دید مسایل و دشواریهای جوانان و نوجوانان ریشه در جامعه دارد و یا خود جوان در ایجاد آن مؤثر و دخیل بوده و یا به مسایل درون گروهی بین افراد خانواده مربوط است؟ مثلاً زمانی که پدر ویا مادر ویا هر دوی آنها نسبت به یکی از فرزندان خود «نوجه» بیش از حد متعارف دارند، و به تعبیر رسالت، برای خود «سوگلی» درست می‌کنند، آیا نباید انتظار داشته باشند که این کار در رفتار فرزندان دیگر آنها نسبت به یکدیگر و حتی نسبت به خود آنها تأثیرات سویی بگذارد؟ ابتداً بحث را کسی باز می‌کنیم و مطالبی دربارهٔ رشد عاطفی، رشد جسمانی و بیولوژیکی انسان را مطرح می‌کنیم.

علمای روان‌شناسی و تعلیم و تربیت

خصوصیات عاطفی عمده این مرحله از رشد، اعتماد در مقابل عدم اعتماد است. بسیاری از والدین تصور می‌کنند که کودک خردسال است و «چیزی نمی‌فهمد» و حال آنکه باید بدانیم که کودک یکساله طبیعی با زبان بی‌زبانی با شما حرف می‌زند و از شما توجه و محبت می‌خواهد. عدم توجه و دقت به این نکته مهم تربیتی می‌تواند سوزن و ترسهای بی‌مورد را در مراحل نوجوانی و جوانی باعث شود.

مرحله دوم از ۱۲ ماهگی تا ۳۶ ماهگی: همان گونه که می‌دانیم، این مرحله از رشد، مرحله نشستن، دندان شیری درآوردن، تکلم، و بالاخره راه رفتن کودک طبیعی است. از حیث رشد عاطفی یکی از خصوصیات عمده این مرحله از رشد، مرحله استقلال در مقابل وابستگی و شک و تردید است. این مرحله زمان بسیار مناسبی است که کودک علم شیرین آزادی و استقلال را می‌چشد، و اولین گام را به سوی مراحل ابتدایی خودشناسی بردارد. در این دوره بهتر است وسایل، اسباب بازیها، لباس و اطاق خواب کودک هم متعلق به خود او باشد. بسیاری از والدین محترم به دلیل مشکلات اقتصادی و یا هر دلیل دیگر، لباس و حتی اسباب بازی فرزند بزرگتر خود را برای فرزندان کوچکتر نگهداری می‌کنند که البته از جهت صرفه اقتصادی خالی از فایده نیست ولی از جهت رشد شخصیتی و رشد عاطفی کودک و یا کودکان کوچکتر خانواده به شرطی صحیح است که کودکان، در این مرحله از رشد، متوجه نشوند. در غیر این صورت همواره این تصور را در ذهن خود دارند که والدین به عنوان «بچه دست دوم» به آنان نگاه می‌کنند البته مسلماً منظور والدین چنین نیست ولی این را هم نباید والدین بدانند که «صرفه و صلاح اقتصادی و مشکلات مربوط به آن را» کودک با نمی‌خواهد و یا نمی‌تواند قبول کند. لذا به گونه ای با کودک کوچکتر رفتار شود که مترجم شود آنچه را که متعلق به اوست، مال او برای او، و به خاطر اوست. به علاوه تحقیقات در رابطه با فقدان مادر در

این مرحله از رشد نشان داده است که جدا کردن یا جدا شدن مادریه هر دلیلی که باشد، می‌تواند اثرات بسیار سوء و غیرقابل جبرانی بر شخصیت آینده کودک و نوجوان بگذارد. از طرف دیگر، بسیاری از والدین تصور می‌کنند که «کودک میناتور آدم بزرگسال» است. یعنی اینکه تنها تفاوت کودک با بزرگسال در کمی سن و اندازه اوست و هیچ گونه تفاوت دیگری با بزرگسال ندارد. لہذا، معتقدند با وی باید به همان گونه معامله و رفتار شود که با بزرگسال رفتار می‌شود. که البته تصویری است باطل. در این مرحله از رشد، همه رفتارها با کودک باید به صورت متادل و متعارف باشد، نه تشویق و محبت بیش از حد و نه تنبیه و یا بی‌توجهی بیش از اندازه باشد. به طور مثال، محبت و توجه بیش از حد در این دوره از سن کودک باعث می‌شود، که در دوران جوانی، چون جامعه به همان میزانی که خانواده به وی محبت و توجه داشته است، توجه نمی‌کند، جوان دچار سردرگمی و شک و تردید شود و این مسأله تصور و نگری را در وی شکل می‌دهد که «هیچ و بیج است و جامعه برای او ارزشی قائل نیست، و لذا به انجام کارهای خلاف مقررات و قوانین اجتماعی به منظور جلب توجه دیگران به سوی خودش دست می‌زند و بندریج بر اثر استمرار بزهکاری در زمره نوجوانان و جوانان بزهکار به عصبان و پرخاشگری علیه جامعه و حتی خانواده خود دست می‌زند»



• تنبیه بدنی، علاوه بر اینکه در مراکز و مؤسسات آموزشی و خانه قابل دفاع نیست، اگر احياناً در برابر خواهران و برادران کودک و یا دوستان وی باشد، می‌تواند اثرات منفی شدیدی در شخصیت آینده وی بگذارد.

مرحله سوم از ۳ سالگی تا ۶ سالگی: با توجه به شرایط و امکانات تربیتی و اجتماعی و اقتصادی خانواده، این مرحله از رشد یکی از مهمترین مراحل دوران رشد عاطفی کودک می‌باشد. در این مرحله از رشد، کودک متوجه می‌شود بین او و جنس مخالف تفاوتی وجود دارد. شاهد عینی این نکته تربیتی در بازی بچه‌ها با یکدیگر کاملاً مشهود است و کودک با توجه به شرایطی که در بالا ارائه شد، سعی می‌کند خودمداری خود را با پذیرفتن جنس خود به دیگری نشان دهد. این مرحله، به تعبیر بهتر، مرحله تشخیص و آگاهی به هویت جنسی (sex-identity) است. لہذا پدر و مادر باید در روابط مختلف خود با یکدیگر، چه در داخل و چه در خارج از منزل، فرق العاده دقت کنند و به سؤالیهای کودک از قبیل: «مامان من چهطوری به دنیا آمده‌ام؟» جوابهایی در حد فهم و درک و توان عقلی او بدهند. در این دوره، والدین کودک و مربیان کودکستانها و دوره‌های آمادگی باید نهایت دقت و توجه را در زمینه مسائل تربیتی و عاطفی کودک انجام داده و به عنوان الگو و مدل صحیح تربیتی، سعی در القای ارزشهای صحیح تربیتی از طریق استفاده از وسایل و ابزار صحیح آموزشی را بنمایند.

اگر الگوی کودک فردی دروغگو باشد، باید این انتظار را هم داشت که چنین کودکی، در دوره‌های بعد فردی خیالپرداز و رویایی، و احتمالاً دروغگو بار بیاید. از طرف دیگر، در این دوره از رشد، باید مربیان تربیتی توجه کافی به خلاقیت کودک داشته باشند و در کشف و پرورش این قوه ویژه در ذهن، از وسایل مناسب آموزشی در کودکستانها استفاده کنند. در این مرحله از رشد مسأله مهم «همانند سازی» (Identification) است. پدر در این سنین تعلق خاطر بیشتری به مادر و دختر به پدر پیدا می‌کند. و هرگاه این بُعد مهم از شخصیت کودک، سپر طبیعی خودش را طی نکند، چنین کودکی در دوره‌های نوجوانی و جوانی نمی‌تواند روابط اجتماعی مفید و مؤثری با دیگران پیدا کند. علاوه

براین، کودک در این مرحله از رشد، تصور می‌کند که جنس مخالف او برای نزدیکی شدن بوالدین سد و مایع بزرگی است. این احساس تدریجاً باعث بوجود آمدن حلقه حمادت و جایگزینی آن در کودک می‌شود و بعدها ممکن است بر اثر این تصور که اگر «جنس» او غیر از این بود بهتر می‌توانست از نایاب برقرار کند اما حالا که چنین نیست این امر در وجود او به احساس گناه مبدل شود.

مرحله چهارم از ۶ سالگی تا ۱۱ سالگی: اصطلاحاً به آن دورهٔ ورود به چرخه نظام آموزشی، یعنی دورهٔ ابتدایی هم گفته می‌شود. از نظر عاطفی این دوره، دورهٔ سعی و کوشش به منظور گرفتن پاداش و تشویق و نیز احساس حسادت در برابر تیبیه‌ها و سرکوفت‌ها است. در این مرحله باید به کودک اجازه داد که در فعالیتها و کارهای خلاق و نوی که از مرحله قبیل شروع کرده است، شرکت کرده و آنها را دنبال کند. تنبیه مدنی، علاوه بر اینکه در مراکز و مؤسسات آموزشی و خانه قابل دفاع نیست، اگر احياناً در برابر خواهران و برادران کودک و یا دوستان وی باشد، می‌تواند اثرات منفی شدیدی در شخصیت آیندهٔ وی بگذارد.

تشویق و تنبیه، باید متناسب با عمل صواب و یا عمل خطا باشد و ضمناً قبل از اقدام به تشویق و یا تنبیه، علت و ریشه اصلی رفتار پیدا شود. و اگر کودک بداند که برای چه منظوری تشویق و تنبیه می‌شود، مسلماً تشویق و تنبیه متناسب با رفتار خود را، از جان و دل می‌پذیرد. به تعبیر ساده‌تر، زمانی تشویق و یا تنبیه می‌تواند اثر تربیتی و آموزشی داشته باشد که جزو نظام آروزی و درونی انسان شده باشد. والا به صورت مسکن و موضعی و موقتی و گذرا خواهد بود، به علاوه، ما مربیان و والدین باید بدانیم که انسان برای وظایف و اموری که می‌بایستی انجام دهد، نباید تشویق شود. تشویق و محبت مقدم بر تنبیه است و نمونهٔ بارز آن در مکتب اسلام در دعای معروف «جوشن» است که امام معصوم دربارهٔ خداوند تبارک و تعالی جَلَّ مِجْهَانَهُ می‌فرماید «یا مَنْ

سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَتُهُ» یعنی ای پروردگاری که رحمتت، محبتت، و نشویقت بر غضب و خشم نوسفت و پیشی دارد. و این نکته می‌تواند همواره الگوی مهم تربیتی برای ما مربیان تربیتی و والدین باشد. مرحله پنجم یعنی از حدود ۱۲ سالگی تا ۱۸ سالگی: (مرحله احساس هویت برابر آشننگی) نوجوان در این مرحله از رشد به هویت جنسی خود پی می‌برد که وظیفه پدران و مادران، بخصوصی مادران است که فرزند خود را برای این دوره که از مهمترین دوران عاطفی و شکوفایی شخصیت نوجوان است، آماده کنند. این مرحله از رشد، زمانی است که فرزند شما می‌خواهد وزیر و مشاور شما در امر خانه باشد. والدین باید تربیتی فراهم کنند که نوجوان در جریان امور خانه قرار بگیرد. و بار و همفکر والدین باشد. جوان در این دوره به فکر زمان حال است و آمادگی کامل دارد که اگر در منزل نتوانست آنچه را که تصور و فکر می‌کند، پیدا نماید، روی به دوست و محیط بیرون و خارج از منزل بیاورد. از این زمان است که ممکن است حلقه بزهکاریها و کجرفتاریهای فردی و اجتماعی نوجوان و جوان شروع شود. اما اگر مراحل قبلی را به صورت درست پشت سر گذاشته باشد، به مرحله تکامل و خودشکوفایی و خودشناسی می‌رسد.

اگر در این مرحله از رشد، جوان متوجه شود که مثلاً «فرهنگ سکیم» بر خانه حاکم است، و مادیات، مدار اصلی چرخش خانواده است، و از طرفی پدر یا مادر هم توانایی اداره منزل از جهات اقتصادی را ندارند، جوان اقدام به اعمال خلاف و بزهکاریهایی می‌کند که نمونه‌های آن در زندانگاههای تربیتی فراوان است. به تعبیر دیگر، در این مرحله از سن، خانوادهٔ جوان، جدا از رقع نیازهای اولیه، باید به فکر رقع نیازهای ثانویه او، نظیر احساس نعلق خاطر به دیگران داشتن، و قول مسئولیت، نیاز به توانایی در تصمیم‌گیریهای منطقی و امثالهم باشند. والدین باید در این دوره از رشد، یاری رسان ولی نظاره‌گر رفتار جوان خود باشند.

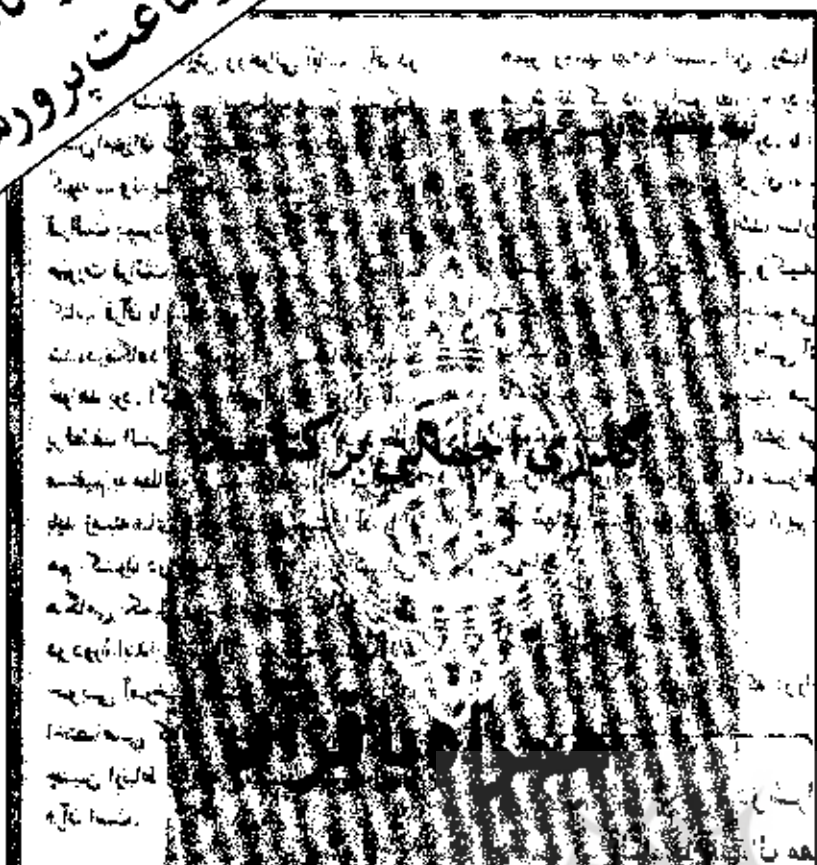
رفتارهایی که خانواده و محیط در هر دو دوره‌ها و مراحل قبل به وی یاد داده‌اند.

در این دوره، ضمن راهنمایی و ارشاد، والدین به جوان خود اجازه دهند که خودش تصمیم بگیرد و شخصاً ناخدای کنشی زندگی اش در این دریای پرنیلاطم زندگی باشد، و ما والدین و مربیان مثل چراغها و فانوس‌های دریایی نقش راهنما و هدایتگر را در تربیت جوانان خود داشته باشیم و در عین حال که او را به حال خود واگذاشته‌ایم و به استقلال او ارج نهاده‌ایم به نصیحت و اصلاح نمریبات خام او پرداختن او را به ساحل نجات برسانیم.

توجه و عنایت به این نکته مهم تربیتی برای والدین اهمیت دارد که بدانند در همه مراحل رشد کودک و نوجوان خود، باید با یکدیگر رفتاری سازگارانه داشته باشند. و پیش روی فرزندان خود مشاخره نکنند، و هرگز حملاتی از قبیل: «من اگر به خاطر بچه‌هایم نبود، بکدیقه هم نوبی این خانه نمی‌ماندم!» را پیش روی فرزندان بر زبان نیاورند. زیرا، به تعبیر روان‌شناسان و علمای تعلیم و تربیت بیان این گونه حملات، توجیه و معنایی جز «سازش» ندارد. و حال آنکه زندگی زناشویی باید «سازگارانه» باشد و نه «سازشکارانه»!

آخرین نکته این است که بدون وجود یک رابطه مستمر و مداوم بین والدین و مربیان و معلمان هرگز از هیچ یک از این دو طرف قضیه نباید انتظار معجزه داشته باشیم. زمانی می‌توانیم ادعا کنیم که فرزندان صالح و خلیقی تحویل جامعه داده‌ایم که برای کودک، نوجوان، و جوان ما، مدرسه و خانه، منزلگاه اولیه و اصلی او در تمام مراحل رشد شخصیت باشند و نه اینکه این خانه اول او و آن خانه دوم او باشد. زنجیرهٔ تربیت، به گونه‌ای است که بند بند آن باید هماهنگ با یکدیگر عمل کنند.





«همراه با قرآن» نام دومین کتاب از سری کتابهای «برنامه و محتوای کلاسهای پرورشی» است که برای اجرا در کلاسهای اول راهنمایی در نظر گرفته شده است. این کتاب که در ۵۶ صفحه و از نظر طرح جلد با استفاده از طرح کتاب «حکایت ستمگران» - ولی با رنگی دیگر - در زمستان ۶۷ به طبع رسیده، به عنوان راهنمای مربیان کلاس اول راهنمایی برای اجرای برنامه کلاسهای پرورشی در اختیار مربیان پرورشی کل کشور قرار گرفت. در اینجا به عنوان آشنایی با این کتاب از جنبه های مختلف به نقد و بررسی آن می پردازیم:

از نظر هدف:

کتاب «همراه با قرآن» بطور عمومی اهداف کلی امور تربیتی را دنبال می کند و در جنبه های اهداف اجتماعی، هنری، فکری و عقیدتی دارای عملکرد فعال و شایان توجهی است. از این نظر، دقیقاً همان اهدافی که در کتاب «حکایت ستمگران» دنبال می شود، در همراه با قرآن نیز به چشم می خورد (در این زمینه به اهداف تفصیلی هنری، فکری، اجتماعی، حکایت ستمگران در همین ویژه نامه رجوع شود) ولی این کتاب بطور خاص در پی ایجاد مؤانست میان دانش آموزان و قرآن کریم است.

قرآن کریم به دلایل مختلفی در دید و نظر دانش آموزان ابتدایی نا آشنا و نا مأنوس است؛ سبک نگارش، زبان، نوع ترجمه، سبک صفحه آرایی، شکل و شمایل صفحات آغازین، چگونگی تجلید و طرحهای روی جلد و... عواملی هستند که قرآن را در نگاه دانش آموز بیگانه می کنند. چشم دانش آموز با نوع خاصی از حروف، طراحی، صفحات، نحوه صفحه بندی، طرح جلد و نحوه نگارش فارسی آشناست که این ویژگیها در قرآن کریم وجود ندارد. مأنوس بودن و احساس آشنایی و قرابت با هر چیزی، یکی از زمینه های لازم برای ارتباط مستقیم آدمی با آن چیز و بهره وری از آن است.

